

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۱ فبروری ۲۰۲۲

طالب و برخوردار اشغالگرانه با مردم!

یکشنبه- ۰۱ حوت ۱۴۰۰ - کابل: از همان نخستین روز های سقوط حاکمیت دست نشانده و اشغال نظامی کابل به ادامه سایر شهر های افغانستان و استقرار نظام ملاسالار در کشور، یکی از وقایعی که تا حال چندین بار در نقاط مختلف کشور اتفاق افتاده، فیر افراد طالب در موضع های تلاشی می باشد.

تا جایی که از مطالعه چنین وقایعی بر می آید، تشابه باور نکردهایی در تمام حالات بین آنها وجود دارد. یعنی در تمام حالات گزرمه و گشت های بازرسی و تفتیش ثابت و سیار طالب، موتر ها و ریکشا ها را متوقف ساخته و بعد از بازرسی و اطمینان از این که در داخل موتر چیزی نیست، امر حرکت به وسیله نقلیه داده است. بعد از حرکت وسیله نقلیه یعنی با ۵ الی ۱۰ متر فاصله گرفتن وسیله به یک باره از عقب وسیله نقلیه را زیر رگبار سلاح های اتومات شان قرار داده راکبین آنها را کشته و یا زخمی ساخته اند.

از بارزترین نمونه های چنین جنایتی کشتن یک خانم چندی قبل در دشت برچی و اینک خانم دیگری در قندهار می باشد، این دو واقعه را به علتی بارز دانستم که اولاً قربانیان آن زن بودند و در ثانی فامیل های مقتولین بیهراس از تهدیدات طالبان و نظام ملاسالار صد بلند نمودند. در یادداشت امروز خواهم کوشید مختصراً در این مورد نکاتی را برجسته بسازم:

۱- طالبان تا حال کوشیده اند بروز چنین وقایعی را برخاسته از نفوذ افراد ناباب در صفوف شان، و تذکر روند تصفیة صفوف اعلام نمایند. آنها در تمام این موارد هیچ گاهی حاضر نشده اند، این جنایات را به مثابه "قتل عمد" شناخته، قاتل را به رسم و قوانین خودشان جهت پند و اندرز دیگران در ملأعام اعدام و برای مدتی جسدش را بیابوزند. بلکه کوشیده اند با تهدید، سرکوب و پرداختن مقداری پول و وعده بازرسی و تأمین عدالت بر این جنایات پرده بیفکنند.

۲- آنهایی که شناخت دقیق از محتوای آموزشی مطالبی که صفوف طالب در "مدرسه حقانیه" آموخته اند ندارند، اندکی روشنتر مگر با عین محتوا بر ادعای طالب مبنی بر نفوذ افراد ناباب صحنه گذاشته، دلیل چنین جنایاتی را به علاوه خستگی مفرط افراد طالب، اعتیاد آنها به چرس و بقیه مواد مخدر و حتا تکالیف عصبی اعلام می دارند.

۳- اگر قربانیان تنها به زنها محدود می ماند و چندین مرد نیز با عین تکتیک به قتل نمی رسیدند، می شد گفت که زن ستیزی و نفرت عمیق افراد طالب از زنان، وقتی آنها را با زنان حین تفتیش و بررسی موتر ها مواجه می سازد، از

یک سو نمی توانند آنها را تفتیش بدنی نمایند از جانب دیگر بشدت از آنها متنفر و هراسان اند و بر مبنای اعتقادات شان در عقب هر زنی فتنه ای را باور دارند، بر روی آنها آتش کشوده، آنها را به قتل می رسانند.

۴- بدون آن که احتمال دلایل بالا را مطلقاً نفی نمایم، می باید بیفزایم که علت العلل و دلیل واقعی این برخورد جنایتکارانه برخاسته از سیستم تربیتی و آموزشی طالب و آن نکاتیست که آنها در مدارس مذهب خوانده و اینک به اعتقادات آنها مبدل شده است.

برای بسیج و اعزام آنها به جنگ، سالیان متوالی به گوش آنها خوانده شده است که آنها مشغول جنگ با کفار اند، می باید به "دارالحرب" بروند و سرزمین اسلامی را قید سلطه کافران نجات دهند، آنها به مانند مجاهدان صدر اسلام و در عین موقعیت و مرتبت، می روند تا کشوری را به نفع حاکمیت اسلامی فتح نمایند، در اراضی مفتوحه زن، مرد، طفل، جوان و پیر به مانند اشیاء و اماکن بخشی از غنیمت های جنگی است که به فاتحان تعلق می گیرند، فاتحان حق دارند با آنها به هر نحوی که خود بخواهند پیشامد و برخورد نمایند، می خواهند آنها را زنده بگذارند و یا بکشند، بفروشند و یا از آنها لذت جنسی ببرند، مال آنها را تصرف کنند و یا به خودشان بگذارند و ... همه و همه موارد به اختیار "فاتح" گذاشته شده است.

هموطنان گرامی!

اینکه طالب یکی را حین حرکت از عقب تیرباران می کند و آن دیگری را در داخل خانه می کشد و یا می رباید، و نظام ملاسالار در قبال آن ناگزیر تا حال ساکت و بی عمل باقی مانده، از سیستم درسی و اعتقادات طالب سرچشمه می گیرد. آنها من و تو و بقیه مردم افغانستان را بخشی از باشندگان سرزمین مفتوحه قوای اسلام و خود را مالک الرقاب و صاحب اختیار حیات و ممات ما می دانند. از همین رو دست به جنایت می زنند و بدون بازخواست به کارشان ادامه می دهند.

هموطنان گرامی!

اگر می خواهیم در کشور و درخانه خود ما، به ما مانند یک انسان برخورد صورت گیرد و حق حیات ما به رسمیت شناخته شود، می باید عزم مان را جزم نمائیم تا هرچه زودتر در این نبرد مرگ و زندگی بر حیات طالب و طالبیسم و بقیه اشکال حاکمیت های دست نشانده، مستعمراتی و ارتجاعی نقطه پایان بگذاریم.

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!